

زندگی اقتصادی مردم در سال گذشته

فرزام رامند

اقتصاد همراه با رکود سرمایه‌گذاری احتمال دوام بیش تری دارد. سرمایه‌ها به‌طور کلی و به ویژه برای ساختن با سود آتی کم‌تر و در عرض کوشش در جهت حفظ و افزایش تولید و اشتغال و سیود بلندمدت آمادگی ندارند. این، در حالی است که کسری بودجه سال ۱۳۷۶ و بروز تنگناهای پرداخت‌ها - از جمله حقوق کارمندان دولت - می‌تواند بر فشار تورمی - رکودی خود در سال ۱۳۷۷ بیفزاید.

در مجموع در سال ۱۳۷۷ وضعیت کسب و کار به نفع اقشار مزد و حقوق‌بگیر نخواهد بود. شاید زارعان در این سال چندان تغییری را حس نکنند اما روستائیشینان کم‌درآمد بار فشار بیش تری را حس خواهند کرد. تولید صنعتی با محدودیت‌های ارزی برای واردات کالاهای واسطه‌ای و با عدم تکافوی تولید این کالاها در داخل امیدی به افزایش که ندارد هیچ از هم اکنون سیر نزولی را تجربه می‌کند. بخش ساختمان، به دلیل اشباع شهری، به احتمال قوی سقوطی را که در ماه‌های آخر سال ۱۳۷۶ تجربه کرد ادامه خواهد داد. نقدینگی‌ها بعید است که متوجه بازار بورس شوند. بازار بورس حتی اگر از وضع اسفناک فعلی تا حدی بیرون بیاید و ترمیم شود، بسیار سخت است که بتواند آینده‌ی روشن را برای ایجاد تحرک و انباشت سرمایه مالی معطوف به رشد اقتصادی فراهم آورد. شرکت‌های سرمایه‌گذاری آینده‌ای را در افزایش فعالیت تولید و رشد راضی نوید نمی‌دهند مگر چندتایی از آن‌ها که از هم اکنون منطبق لازم برای بهره‌دوری را یافته‌اند و در چارچوب قوانین بازار آزاد سرمایه متعلق به اروپا و امریکا که از سوی مدیران کم صلاحیت یا بی‌صلاحیت این شرکت‌ها تعقیب می‌شود کار نمی‌کنند.

در این اوضاع و احوال مردم کم‌درآمد حتماً با پایین آمدن قوه‌ی خرید خود روبه‌رو خواهند شد. این، می‌تواند در کاهش اعتبار سیاسی دولت خاتمی و محبوبیت شخصی او کاملاً مؤثر باشد. اتفاقاً برای ایجاد چنین تأثیری بخش سرمایه‌داری بسیار ناراضی (بازار و تجاری) غافل مانده‌اند. در این اثنا فشارهای سیاسی و اجتماعی و اداری نیز از این سو و آن سو به کار هستند. شاید بهترین راه حل، اگر هدف مردم هستند، منتظر لبخند بخت‌ها در بازارهای خارجی نشستن نباشد و همین‌طور نمی‌توان دل‌بستن به روش‌های به ظاهر کدخدا منسی و دوستانه و مسلماً قانونی را با آفایانی را که منابع اقتصادی و قدرت را در اختیار دارند عامل بیرون آمدن از بحران به حساب آورد. باید از خود مردم کمک خواست. باید از کارشناسان اقتصادی که بلدند و شجاعت آن‌ها هم دارند که به راه‌حل‌های اساسی و واقعی دست بیابند و با همه‌ی مردم‌کار کنند یاری گرفت.

دولت جدید بودجه‌ای را تقدیم کرد که انقباض و محدودیت‌های هزینه و جمع و جور کردن نهایی مالی سرنوشت محتوم آن بوده این که یک انتخاب از روی حساب شدگی کامل باشد، گرچه نمی‌توان حضور جنبه‌هایی از هوشیاری در تدوین کلیات خط مشی این بودجه را انکار کرد. کسب درآمدهای مالیاتی به دلیل عدم افزایش سطح درآمدها و فشارهای مالیاتی قبلی و به دلیل کوشش دولت خاتمی برای اتخاذ رویه‌های قانونی برای دریافت مالیات‌ها محدود شده است.

چشم‌انداز درآمد نفت را دولت تیره دیده است و مجلسیان تاریخ، شرکت‌های دولتی ثمری ندارند و حالا برای واگذار کردن آن‌ها به بخش خصوصی تسدیرجویی می‌شود. فشار هزینه‌های جاری بالاست. پس دولت چاره را در مهار هزینه‌های عمرانی (و جاری) و ساختن با درآمدهای محدودتر دیده است.

در عین حال این دولت وارث شرایطی است که محدودیت‌های درآمد ارزی را به او تحمیل می‌کند. همه‌ی این‌ها بودجه را به سرنوشتی تقریباً گریزناپذیر دچار می‌کردند. اما در عین حال همین دولت از اتخاذ رویه‌هایی چون به پیشواز کسری بودجه و افزایش بهای ارز رسمی صادراتی و افزایش عرضه‌ی پول برای ایجاد رونقی موقت و یا برگزیدن یک شوک درمانی خفیف خودداری کرد. دولت جانب احتیاط و جانب مهار تورم را گرفت و در برابر فشار بازرگانان و سوداگران اندکی از خود مقاومت نشان داد. این همان هوشیاری در تدوین بودجه محسوب می‌شود.

پیش‌بینی برای سال ۱۳۷۷ لزوماً این نیست که درآمد نفت در پایین‌ترین و بدبینانه‌ترین سطح باقی می‌ماند و اما احتمال زیاد وجود دارد که همان‌طور که دولت در ۲ ماه آخر سال ۱۳۷۶ در تنگنای پرداخت‌ها قرار گرفت و به سمت اصلاحیه‌ی لایحه‌ی بودجه کشانید، شد، در سال ۱۳۷۷ نیز خواهد شد. شاید وضع باران نعت بهتر شود. شاید وام‌های دریافتی آسیای شرقی آن‌ها را به سمت دور تازه‌ای از فرایند تولید صنعتی و افزایش تقاضای انرژی بکشاند - و ژاپن را نیز - شاید سرمای زمستانی در اروپا در ماه‌های بهاری نیز ادامه یابد. شاید اروپا به نرخ رشد صنعتی تازه‌تری برسد. شاید شرایطی برای رقابت در جهت افزایش ذخایر نفتی صورت بگیرد، شاید همکاری اوپک تقویت شود و شاید به رغم امکان فروش نفت عراق، عرضه در همه جای دنیا بالا نرود. این‌ها همه شاید است ولی ناممکن نیست.

با وجود این امکان، فشارهای تورمی درون

تصاد سال ۱۳۷۶ ایران در برخی بخش‌ها در بخش‌های زیاده‌تری رو به سرازیری بود دولت جدید شد. نرخ رشد تورم در سال قبل به نصف نرخ رشد سال قبل ترش رسیده بود اما به سطح ۲۵ درصد و بالاتر فرار گرفت. بهایی که به پرداخت، از کیسه‌ی مردم کم توش و توان دستمزدهای کارگران ناماهر بالا نرفت و یا فقط یکی افزایش یافت، کارمندان عادی دولت ضعیف ماندند، کارگران صنعتی و نسبتاً ماهر مالی اندکی را به خود دیدند. به این ترتیب تورم بار بار در سال ۱۳۷۵ بر دوش مردم عادی گذاشت. در سال ۱۳۷۶ اثر دیگری بروز کرد. سیاست‌ها به‌ویژه‌ها و محدودیت‌های سال ۱۳۷۵، در بخش مورد بحث، اثر رکودی شدید داشت. صنایع با محدودیت نقدینگی روبه‌رو شدند و سرمایه‌گذاری‌ها ضعیف یافتند و اگر این وضعیت عمومیت نداشت به دنبال بسیار گسترده بوده.

بیکاری و بیکاری جوانان - همان چیزی که در اصل شعارهای تبلیغاتی انتخابات ریاست جمهوری در دو ماهه‌ی اول سال بود - گسترش یافت. حالا به راحتی می‌توان گفت ارقامی که نتایج سرساری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ بیان می‌دارد، ثابت‌ناو‌اقعی است و در جهت پایین تورم دارد. کسب و کار عمومی از رونقی کم‌تر برخوردار است. صادرات غیرنفتی نسبت به سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۳ نسبت به سال اوج ۱۳۷۳ افت کرده بود باز این آمد (از ۴۸۳۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ به حدود ۳۰۰-۳۲۰۰ در سال ۱۳۷۶ (۳۰ درصد بی‌بینی برنامه) بنا به برآورد) این امر بازرگانان بزرگ را پس ناخوشایند افتاده است.

افت درآمد نفتی و عدم تحقق بهای پیش‌بینی شده نفت (که ۱۶-۱۷ دلار پیش‌بینی می‌شد اما حدود ۱۳-۱۴ دلار رسید) اقتصاد را با محدودیت‌های ارزی روبه‌رو کرد. بار فشار بازپرداخت بهی‌هایی که فقط در دو سه سال به بار آمدند و همان دوره هم به مصرف رسیدند، بی‌آن‌که موتور رشد نسبتاً بادوامی را روشن کنند. در سال ۱۳۷۶ بالا برد. دولت مجبور بود با این اوضاع و احوال کسب درآمد ارزی در حدود ۶۵۰۰ میلیارد دلار بهی بازپرداخت کند. (رقم تقریبی سررسیده‌های سال ۱۳۷۶ معادل ۶۷۸۲ میلیارد دلار بود) به این ترتیب واردات پایین آمد واردکنندگان بزرگ و بخش خصوصی به سطح درآمدهای کم‌تر ساختند اما اقتصاد از محرومیت‌های بی‌منسی، به استثنای البته کالاهای ضروری و اساسی، برخوردار شد که حاصل آن تورم، گسترش تنگدستی و در مجموع افزایش بی‌عدالتی در توزیع درآمدها بود.